



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۴/۱۳

ظریف امین یار

## داکتر خلیزاد بالاخره از خواب اتویایی صلح بیدار شد

!

داکتر خلیزاد با مذاکرات خیلی بی باکانه و غیر اصولی بصورت غیر لازم به قدرت سیاسی طالبان قوت بخشید و دولت افغانستان را به حاشیه راند. او فکر می کرد که صلح با طالبان از طریق اسلام آباد یک راه کوتاه برای پایان جنگ و تنش در افغانستان و خروج نیروهای نظامی امریکا است اما نمی دانست که وضعیت به بن بست خواهد کشید.

من همان زمان در یکی از رسانه ها گفتم که استراتژی صلح امریکا به نمایندگی خلیزاد با طالبان نه تنها که غیر اصولی است بلکه پلان تسلیمی کابل به اسلام آباد بنظر می رسد. من نیز گفتم که خلیزاد با وجودیکه از پیشرفته شگفت انگیز بنظر می رسد اما صلح با طالبان دارای ابعاد خیلی گسترده و پیچیده است و اگر مذاکرات به فرمایش اسلام آباد جریان پیدا نکند، بعید نیست که با آمدن بهار طالبان زیر یک اصطلاح عربی جنگ نو را آغاز کنند.

بعداً امریکا و طالبان به موافقه شرمناک در چهار مورد رسیدند که در آن کابل به طالبان زیر نظارت اسلام آباد تسلیم داده می شد. اما در همین هنگام، دولت افغانستان از این موافقه مطلع شد و در امریکا نیز دموکراتان از چنین موافقه شرمناک آگاه شدند و حتی آنها چندین بار اخطار نامه به وزارت خارجه امریکا برای مخفی نگهداشتن مذاکرات ارسال کردند و خواهان احضار خلیزاد در کانگرس شدند. دولت افغانستان به متحدان خود بشمول ناتو جریان را شریک ساخت و بالاخره توطیه موافقه احتمالی شرمناک امریکا با طالبان خنثی گردید.

با این انکشاف غیر مترقبه، اسلام آباد به یک بارگی از جریان صلح نا رضایتی خود را اعلام کرد و عمران خان نیز بصورت استراتژییک اظهارات مداخله آمیز در مورد افغانستان گفت.

کشته شدن افراد امریکایی با طرح پاکستان و اعلام عملیات بهاری زیر نام الفتح باعث شد که خلیزاد امروز در حساب تویترش علیه طالبان اظهارات تند نثار کند. خلاصه ۶ تویت اخیر آن چنین است: "اعلام عملیات بهاری طالبان یک اقدام غیر مناسب و نادرست است. اینکه دولت طرح امنیتی خود را اعلام کرد توجیه برای اعلام جنگ از جانب طالبان شده نمی تواند. مردم افغانستان به وضوح تمایل خود را برای صلح ابراز کردند".

"با اعلام جنگ، رهبران طالبان بی تفاوتی خود را به درخواست های افغان ها از سراسر کشور نشان دادند. تاکید بالای جنگ و خشونت بیشتر تلاش های صلح را تحت شعاع قرار می دهد. اگر جنگ انجام یابد محض باعث رنج بیشتر و تلفات هزاران نفر دیگر خواهد شد".

"در لحظه زمانی که همه افغانها باید باهم بصورت متحدانه برای تعیین یک سرنوشت با یکدیگر بشینند و مذاکره کنند، دعوت به جنگ نشان می دهد که طالبان درگیر گذشته هستند. بسیاری از طالبان از جمله جنگجویان و برخی از رهبران طالب با این اقدام طالبان موافق نیستند".

"تمام افغانها باید اعلام جنگ از سوی طالبان را محکوم نمایند. از طرف امریکا من به شدید ترین الفاظ اعلام جنگ از سوی طالبان را محکوم می کنم و از کشور های مانند پاکستان، قطر و ملت های دیگری که خواهان صلح در افغانستان هستند نیز تقاضا می کنیم که همین کار را انجام دهند".

"امریکا و متحدان بین المللی ما با در کنار نیروهای امنیتی افغانستان بخاطری ادامه تلاشها ما برای پایان جنگ در افغانستان ایستاده هستند".

"کشتن افغانها باید متوقف شود. همه طرفهای جنگ باید به خشونت غیر لازم نقطه پایان ببخشند و به عوض آن در مذاکرات داخلی و بین المللی اشتراک نمایند. تا این مذاکرات امسال منجر به پایان جنگ در افغانستان شود. مردم افغانستان خواهان صلح هستند و ایالات متحده امریکا با آنها ایستادگی می کند".

در همین حال حمایت قاطع نیز اعلام جنگ بهاری از سوی طالبان را محکوم کرد. اکنون وضعیت صلح و جنگ در افغانستان خیلی پیچیده تر از هر زمان دیگر شده است. خلیزاد با ناحق به طالبان قدرت بی پیشینه هدیه کرد اما

حالا در یک بن بست قرار گرفته است. از سوی دیگر داکتر غنی به حمایت گسترده مردم در این اواخر بخاطری موضع مناسب آن علیه طالبان و پاکستان قرار گرفته است که مایه نگرانی برای اسلام آباد و پاکستان است. هرچند از یک طرف ادامه جنگ پیام آور خشونت و تلفات بیشتر است اما از جانب دیگر مذاکرات خلیزاد موفق پاکستان و طالبان را در قبال افغانستان بصورت بی پیشینه روشن ساخت. مردم افغانستان اکنون می دانند که طالبان صد در صد وابسته به اسلام آباد هستند. مردم همچنان می دانند که داکتر غنی با ایستادگی علیه طالبان، پاکستان و طالبان در تاریخ کشور نام خود را به عنوان یک ملی گرایی روشنفکر ثبت کرد و در این جنگ ظاهراً برنده نیز شد. در این میان روی کسانی سیاه شد که بالای داکتر غنی برچسب سبوتاژ پروسه صلح را می زدند. حالا بازی در فاز جدید رفته است و ملت افغانستان در این فاز دو انتخاب منطقی بیش ندارد. یک، اینکه صلح ذیلانه و گذارا زیر چتر اسلام آباد را قبول کند و دوم اینکه با نظام خود بصورت متحدانه ایستاده شوند و طالبان را مجبور به گفتگو های بین الافغانی کند تا یک صلح پایدار بدست بیاید. انتخاب سوم راه حل نظامی است که عملاً در ۱۷ سال گذشته ناکام به اثبات رسیده است.